



چرا؟

فرزانه مصیبی



واجب و لازم مثل غذا خوردن و خوابیدن، و چه بسا خود زندگی است.

مطالعه در زمان تحصیل

کتاب خواندن یک نوع اجباری هم دارد که در اصطلاح درس خواندن تلقی می‌شود و در صورتی که محصل یا دانشجو مورد نظر علاقه‌ای به تحصیل نداشته باشد بدترین نوع مطالعه خواهد بود؛ چه از منظر بیرونی و چه از جنبه روحی و احساسی برای خود شخص. این نوع از مطالعه چنانچه گفته شد اگر بدون رغبت و میل قلبی باشد چه بسا نوعی بازدارنده مطالعه در کل زندگی فرد و نزدیکانش شود.

دانش‌آموزی که در آخرین ردیف نیمکت‌ها در ته کلاس نشسته و زیر کتاب مطالعات اجتماعی یا هندسه و مثلثات خود رمانی یا کتابی تاریخی یا شعر یا حتی کتابی علمی باز کرده و یواشکی در حال مطالعه است کافی است با برخورد ناشایستی چون پرتاب گچ توسط معلم مواجه شود. گچی که نقطه سفیدی در مقنعه دانش‌آموز یا موهای سر او به جا می‌گذارد باید به پرتاب کننده‌اش این نوید را بدهد که نقطه‌ای سیاه در مقابل آن نقطه سفید در ذهن دانش‌آموز حک کرده است و به ناخودآگاهش این پیغام را مخابره کرده که مطالعه کتاب مورد علاقه گناه است. این دانش‌آموز در سال‌های بعد از تحصیل خود و حتی در کل زندگی شاید دیگر دست به کتابی برای مطالعه نبرد چرا که هر کار غیر مفید و غیر واجبی را بر خواندن کتاب ترجیح می‌دهد تا دچار گناه و عذاب وجدان نشود. پس بهتر است برخوردمان در مواقع مختلف حساب شده باشد.

مطالعه زنان خانه‌دار

این نوع از مطالعه می‌تواند گستره وسیعی را شامل شود. از مطالعه مجلات خانوادگی گرفته تا مجلات آشپزی، خیاطی و هنری. از کتاب‌های روانشناسی و تربیت فرزند گرفته تا کتاب‌های زناشویی و چطور شوهر خود را سرسپرده خود کنیم و پای مادرشوهر را از زندگی مان ببریم تا رمان‌های عاشقانه عامه پسند و صفحات حوادث و سرگذشت‌ها. به مجموعه مطالعات زنان خانه‌دار یک بخش مهمی هم در سال‌های اخیر وارد شده و آن بخش مطالعه در فضای مجازی است که البته این بخش از مطالعه بسیار مفید! به زندگی همه مردم اضافه شده.

اما موضوعات مورد علاقه زنان خانه‌دار شامل روش‌های صحیح آرایش و خواص مواد غذایی و زندگی‌نامه هنرپیشه‌ها و این قبیل موارد است.

در کنار تمام این مطالعات زنان خانه‌دار و مادرها و پدرها یک بخش از مطالعاتشان برمی‌گردد به دوران کودکی‌شان و کتاب‌ها و قصه‌های کودکان که اگر کتاب‌های دوره تحصیلشان را با این حجم از تکرار، توجه، حلاجی، ریشه‌یابی، بحث و جدل مطالعه می‌کردند به حتم دانشمندان قابل می‌شدند.

مطالعه در کتاب خوان‌های حرفه‌ای (به اصطلاح، کرم‌های کتاب)

این دوستان بزرگوار که متأسفانه جزء اقلیت رو به محو جامعه هستند همان کسانی هستند که همیشه آنها را کتاب به دست نمی‌بینید! بله نمی‌بینید ولی کتاب‌های زیادی خوانده‌اند و می‌خوانند. ممکن است کتابخانه‌های بزرگی هم در خانه نداشته باشند ولی همه کتابخانه‌های عمومی شهرشان را می‌شناسند و وقتی جلوی در آنها می‌رسند، در کتابخانه نه که برقی باشد نه، (این هزینه برای پاساژها و مراکز خرید است) ولی خودبخود رو به این بزرگواران باز می‌شود؛ از بس که رفت و آمدشان به کتابخانه زیاد بوده، مثل عارفی که کفشهایش جلوی پایش جفت می‌شود.

بله این عزیزان زمانهایی که ما پای تلویزیون نشسته‌ایم و کانال عوض می‌کنیم بلکه یک فیلم تکراری پیدا کنیم و مجدد ببینیم، کتاب می‌خوانند.

وقتی ما در گوشی موبایل می‌چرخیم و از این گروه به آن گروه می‌رویم، استیکر می‌گذاریم و به امر کپی پیس مشغولیم و کانال‌ها و تبلیغاتشان را بررسی می‌کنیم و در پیچ هنرمندان دنبال علت طلاقتان می‌گردیم، کتاب می‌خوانند.

وقتی شب بی‌خواب می‌شویم و فکر و خیال می‌کنیم و غصه روی غصه می‌چینیم، کتاب می‌خوانند.

وقتی پای غیبت و بدگویی می‌نشینیم، کتاب می‌خوانند.

و هزار تا وقتی دیگر. پس گرانی کتاب و وقت نداشتن را بهانه کتاب نخواندن نکنیم. ضرر این گول زدن اول متوجه خودمان است.

چرا کتاب می‌خوانیم؟

آدمها همان‌طور که در اخلاق، رفتار، کردار، قیافه، نوع صحبت کردن، حتی لهجه و زبان، رنگ پوست و تربیت اجتماعی و لباس پوشیدن با هم متفاوت هستند؛ در علت کتاب خواندن نیز با هم تفاوت‌های مهمی دارند.

مطالعه در ملاء عام

حتماً برای همه ما پیش آمده که در مترو، اتوبوس، تاکسی و حتی پارک، افراد فرهیخته‌ای را دیدیم که به جای اتلاف وقت در فضای مجازی و بازی با موبایل و فالکوش ایستادن و استراق سمع حرف‌های دیگران و نگاه کردن به تیپ و قیافه افراد کتاب می‌خوانند. حال طبق سلیقه و نظر شخصی کتابی را انتخاب می‌کنند و از وقت خود استفاده مفید می‌کنند؛ البته در اینجا داخل پرانتز می‌خواهم فاکتور بگیرم از دانشجویها و کسانی که در لحظات آخر قبل از امتحان، نهایت سعی خود را می‌کنند تا صفحاتی از کتاب‌های درسی‌شان را بخوانند که در طول ترم لای آنها را باز نکرده‌اند و اصلاً نمی‌دانند موضوع درسشان چیست، اما نکته صحبت ما خود افرادی که کتاب در دست مشغول مطالعه هستند، نیستند! بلکه افرادی هستند که کنار آنها نشستند یا بالای سرشان ایستاده‌اند و چشم دوختند به کتاب مزبور.

بله روی صحبت ما با شماست دوست عزیز! شمایی که تا طرف می‌آید کتاب را ورق بزند و صفحه بعد را بخواند یک دفعه مچش را می‌گیرید و می‌گویید:

"صبر کن. به خطی مونده."

خوب شو که شدن هم دارد. صاحب کتاب با حوصله به شما نگاه می‌کند و منتظر می‌ماند تا آن یک صفحه را مطالعه بفرماید. از آنجایی که ممکن است زاویه چشم شما با کتاب تنظیم نباشد یک کمی خواندن برایتان سخت می‌شود و زمان بیشتری احتیاج دارید. خب یک پیشنهاد دارم برای شما، بله خود شما:

بهتر نیست حالا که به طور اتفاقی استعداد و علاقه شما در مطالعه کشف شده یک کتاب همراه خود داشته باشید و با حوصله کتابتان را در وسایل نقلیه عمومی بخوانید و از وقت هرز رفته خود به بهترین نحو استفاده کنید.

یک نکته مهم: البته اگر از آن دسته آدمهای کنجکاو هستید و دلتان می‌خواهد بدانید کنار دست شما چه کتابی می‌خواند و چنانچه آن کتاب برای خودتان باشد آن را نمی‌خوانید، پیشنهاد می‌دهم یک کتاب با خود ببرید و بدهید کنار دستی‌تان و خودتان طبق روال ذهنی‌تان یواشکی سرک بکشید و آن را مطالعه کنید. فقط یادتان نرود تا صفحه چند خواندید و سوری بعد از همان صفحه باز کنید و بدهید دست نفر بعدی.

مطالعه کودکان

مثلاً یک بچه کوچک اگر خودش کتاب را بردارد و ورق بزند و توجه به کتاب نشان دهد می‌تواند علاقه‌اش به کتاب از شرایط خانوادگی‌اش نشأت بگیرد. کودکی که شاهد مطالعه توسط پدر و مادر یا دیگر اعضای خانواده‌اش باشد در ضمیر ناخودآگاهش این طور جا می‌افتد که کتاب خواندن نه تنها کار خوبی است بلکه امری است

